

کوبا، الگوی کشاورزی پایدار به سوی امنیت غذایی جهان

دبورا ایوتزی (همکار پژوهشی شورای امور نیمکره)

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی و تحلیلی شورای امور نیمکره مورخ ۱۶ دسامبر ۲۰۱۶

مترجم: محمد قربانی

با فروریختن اتحاد شوروی و تحکیم محاصره اقتصادی ایالات متحده، کوبا در اوایل دهه ۹۰ میلادی با بحران شدید غذایی مواجه شد و شاهد ریزش بیش از ۳۰ درصد تولید ناخالص ملی اش بود. برای برون‌رفت از این مقطع حساس، که دولت هاوانا قادر نبود به اندازه کافی برای مردم مواد غذایی تهیه کند، کوبایی‌ها مجبور به ایجاد شیوه جدیدی از کشاورزی شدند: کشاورزی شهری، به امید آن‌که شیوه‌ای پایدار برای استفاده از زمین و تولید غذا باشد. اگرچه این نه حاصل سیاستی آگاهانه و حساب‌شده، بلکه ثمره حوادث ناگزیر بود، نتیجه این نظم نو مقامات کوبا را به پذیرش اقدامات مشخص و تشویق به گسترش آن سوق داد. این تلاش به کوبا کمک کرد تا نقش پیشگام در کشاورزی پایدار را ایفا کند و نظام تولید مواد غذایی‌اش به الگویی برای دیگر کشورهای جهان، به‌ویژه جوامع در حال توسعه‌ای که می‌باید در مقابل دگرگونی‌های مخرب محافظت شوند، تبدیل شود.

الگوی کشاورزی پایدار از دل ضرورت زاده شد

در پی فروریختن اتحاد شوروی، کوبا با کمبود شدید نفت، که واردات ارزان آن متوقف شده بود، روبه‌رو گشت. جزیره ناگهان به مرحله‌ای وارد شد که «دوران ویژه زمان صلح» نام گرفت، و سپس با محاصره اقتصادی بی‌امان آمریکا سخت‌تر شد. حقیقتاً، قانون آزادی کوبا و همبستگی دموکراتیک در سال ۱۹۹۶—معروف به قانون هلمز-برتون—محاصره موجود علیه جزیره را با تحریم‌های فوق‌العاده شرکت‌هایی که با کوبا مرادۀ تجاری داشتند، سخت‌تر کرد. فقدان مواد سوختی، کودهای شیمیایی و دیگر مواد مورد نیاز کشاورزی، موجب کاهش بازدهی محصولات کشاورزی شد. مطابق داده‌های آماری معدل سرانه رشد سالانه محصولات غذایی در بین سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۹۵ تا ۵۱ درصد منفی بود. به دلیل کمبود مواد سوختی، کشاورزان به‌طور عمده می‌بایست به نیروی گاوآهن روی می‌آوردند. کمبود نفت، تولیدکنندگان را نیز مجبور به کاهش فاصله با مصرف‌کنندگان کرد، زیرا استفاده از وسایل نقلیه بنزین‌سوز و گازوئیل سوز محدود شد. ساکنان شهرها پیش از دیگران از کمبودها آسیب دیدند، و در واکنش مؤثر به بحران غذا، زمین‌های بایر دولتی را برای تولید غذای خود به کار گرفتند. به‌علاوه، شهروندان عادی از بالکن‌ها، حیاط‌خلوت‌ها، و پشت‌بام‌های خود برای کشت [مواد غذایی] و پرورش احشام استفاده کردند. افزون بر این کشاورزان روستایی به‌منظور رفع نیاز خود و فقدان سموم و کودهای شیمیایی، شیوه‌های کشاورزی بومی را برگزیدند. آن‌ها بدون این‌که این روش را هدف اصلی خود قرار دهند، کشاورزی پایدار را به‌عنوان شیوه تولید مواد غذایی به قصد تضمین خوراک قابل دسترس برای همه پیاده کردند. و این در حالی است که منابع طبیعی طوری اداره می‌شوند که

بوم‌سازگان (اکوسیستم) نیازهای امروز و آینده انسان را تأمین کند. این امر مشارکت همه کشاورزان، دامپروران، و دیگر روستانشینانی را در بر می‌گرفت که از توسعه اقتصادی بهره‌مند می‌شدند.

کشاورزی پایدار، گسترش و ترویج زراعت شهری را هم شامل می‌شود که خود به بهبود امنیت غذایی، دسترسی عادلانه به منابع و اداره مؤثر آن کمک می‌کند. دولت کوبا توان بالقوه این ابتکار خودجوش شهروندان را درک کرد. دولت خیلی زود با برداشتن چند گام شروع به حمایت و تشویق از کشاورزی شهری کرد. به دنبال آن به تجدید نظر در حقوق مالکیت مبادرت کرد که تغییر قابل توجهی برای نظام سوسیالیستی به شمار می‌رود. کوبا به تجدید نظر جدی در زمینه الگوی کار دست زد: تغییری در جهت غیر متمرکز کردن الگوی تولید و پذیرش این که کشاورزان مالک منافع حاصل از کار خود باشند؛ امکان بهره‌مند شدن از تلاش خود، به عنوان انگیزه‌ای مهم برای کارگرانی که علاقه بیشتری به تولید حداکثری داشتند. سازماندهی مجدد تولید کشاورزی عمدتاً شامل تبدیل مزارع بزرگ دولتی به تعاونی‌های کشاورزی کوچک‌تر و کارآمدتر و توزیع زمین به صورت «حق انتفاع» به تولیدکنندگان کوچک بود که به کشاورزان حق استفاده از خاک و منافع حاصل از آن را بدون این که مالک زمین باشند، می‌داد. هدف رهبری کوبا به بهبود تولید کشاورزی و قطع، اگر نه محو، واردات مواد غذایی به کشور بود. به همین دلیل از تأسیس اداره کشاورزی شهری در وزارت کشاورزی در سال ۱۹۹۴، و نیز گروه ملی کشاورزی شهر و حومه در سال ۱۹۹۸ پشتیبانی کرد. گروه ملی کشاورزی شهر و حومه، مسئول هماهنگی و ترویج و توسعه کشاورزی شهری پلی‌دار و مشوق بازیافت مواد مغذی و کودهاست. این جریان چارچوبی برای رهنمودها و اصول بوم‌شناختی کشاورزی و راهبردهایی برای تولید فردی کودهای ترکیبی و بذرها، و استفاده از منابع محلی، و حفظ گیاهان ارگانیک محلی برای تولیدکنندگان کوبایی فراهم می‌کند. بعدها در سال ۲۰۰۸ دولت جدید رائل کاسترو قانون اصلاحات ارضی ۲۵۹ را تصویب کرد که هدفش توزیع قطعات غیر مولد به صورت واگذاری حق انتفاع بود. در سال ۲۰۱۱ یک بسته اصلاحی به نام لینیامی‌یه‌نتوس [به معنی «رهنمودها»] به منظور مدرنیزه کردن اقتصاد کوبا تأکید فراوانی بر تولید کشاورزی مبذول داشت. سال بعد، در سال ۲۰۱۲ «قانون ۳۰۰» امکان احداث بنا بر روی زمین‌های مشمول «حق انتفاع»، درختکاری جنگلی و کاشت درختان میوه را فراهم آورد. مضافاً دولت به ایجاد امکانات بازرگانی برای کشاورزان و دسترسی به کمک‌های مربوط به کشاورزی دست زد. ترویج و ترفیع کشاورزی کوبا چنان اهمیتی پیدا کرد که تولید داخلی مواد غذایی مسئله امنیت ملی اعلام شد.

اتکا به بوم‌کشت (Agroecology)

کوبایی‌ها به جنبه محیط‌زیست‌خواهانه قضیه آگاهی نداشتند. کمبود منابع و درون‌داد مزارع، کشاورزان را به آزمون شیوه‌های جدید کشاورزی ارگانیک و مهار آفات سوق داد. اصول ارگانیک یا طبیعی به کار گرفته شد و از منابع در دسترس استفاده شد. آن‌ها از تناوب زراعی، کشت مخلوط، کود سبز و کاشت گیاهان برای ایجاد پرچین استفاده کردند. علاوه بر این آن‌ها از گیاهان ضد شته مانند آویشن، نعنا، جعفری، ذرت یا آخرا برای کاهش هجوم آفات یا جذب حشرات مفید استفاده کردند. برنامه‌های آموزشی دولت از شیوه‌های کشاورزی پایدار حمایت می‌کند، اما بیش از هر چیز، کشاورزان از دانش سنتی سالمندان یا از خاطرات کودکی‌شان بهره گرفته‌اند. آن

شیوه‌های نوینی را می‌توانیم کشاورزی بوم‌شناختی [بوم‌کشت] بنامیم که بیانگر «یک نظام جامع رویکرد به کشت‌وکار و توسعه نظام غذایی بر مبنای دانش سنتی، کشاورزی بدیل، و تجربیات نظام غذایی محلی» است. جریان چنان رقم خورد که لین‌الگوی تولید غذایی، از منظر کشاورزی پایدار، ضامن حفظ منابع طبیعی و کمترین اتکا به مواد مصنوعی باشد. شالوده بوم‌کشت عبارت است از متنوع ساختن محصول و شیوه کشت‌وکار—از جمله ادغام با دامداری که به ترویج تنوع زیست‌شناختی و استفاده کارا تر از منابع، مثل آفتاب، آب، خاک و آفات طبیعی یاری می‌رساند. متنوع‌سازی روندهای طبیعی مانند فتوسنتز [تبدیل انرژی نور خورشید به انرژی شیمیایی در بافت‌های زنده]، تثبیت نیتروژن [تبدیل نیتروژن موجود در جو به آمونیاک]، جذب فسفر زمین، و افزایش فعالیت‌های زیست‌شناختی هم در سطح و هم درون خاک را شدت می‌بخشد. این متنوع‌سازی همچنین نشان‌دهنده تغییر الگو در کوبا پس از تخصصی کردن صادرات شکر و فرآورده‌های مشتق از آن به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در دوران جنگ سرد می‌باشد.

بر اساس گزارش دوسالنامه «صندوق جهانی طبیعت» (WWF) تحت عنوان «گزارش سیاره زنده» در سال ۲۰۱۶، کوبا سازگارترین کشور با محیط زیست است. در واقع این صندوق شاخص «تأثیرات انسان در محیط زیست» (Environmental Footprint Index) را ابداع کرد که تلفیقی است از شاخص توسعه انسانی و شاخص بهره‌برداری از منابع طبیعی. مشخص شد که این جزیره «ردپای سرانه بوم‌شناختی» (Ecological Footprint per Capita) قابل قبولی دارد، که هم میزان مصرف انرژی و منابع را در نظر می‌گیرد و هم شاخص توسعه انسانی را. این شاخص‌ها نشان می‌دهد نظام پایدار تولید مواد غذایی با سطح بالای سواد، متوسط طول عمر بالا، و پایین بودن میزان مرگ‌ومیر کودکان، دمساز و سازگار است.

راهی به سوی امنیت غذایی در جهان

مطابق داده‌های سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) حدود ۷۹۵ میلیون نفر در جهان به اندازه کافی غذا برای زندگی سالم و فعال ندارند—قریب یک نفر از هر نه نفر روی کره زمین. این گواه روشنی است بر شکست رواج کشاورزی صنعتی برای دستیابی به نتیجه مطلوب. نظام صنعتی تولید مواد غذایی بر سلامت انسان و نظام‌های بوم‌شناختی اثر سوء می‌گذارد. ارتباط تنگاتنگی میان غذاهای با کیفیت نازل و بیماری‌های غیرمسمری وجود دارد. چاقی مفرط به بیماری شایع تبدیل شده است. از سال ۱۹۸۰ چاقی مفرط دو برابر افزایش یافته است؛ در سال ۲۰۱۴، ششصد میلیون نفر بزرگسال به‌عنوان چاق مفرط طبقه‌بندی شده‌اند. لین‌پلیده به جوامع صنعتی محدود نمی‌شود؛ تخمین زده می‌شود در کشورهای در حال رشد بیش از ۱۱۵ میلیون نفر از مشکلات ناشی از چاقی مفرط رنج می‌برند. بدتر این‌که کشاورزی صنعتی هزینه‌های سرسام‌آور زیست‌محیطی به همراه دارد. نه تنها آفت‌کش‌ها و کودهای شیمیایی محیط اطراف را آلوده می‌کنند، بلکه به افزایش انتشار دی‌اکسید کربن، و شتاب سرعت تغییرات اقلیمی دامن می‌زنند. از کل گازهای منتشرشده در جو بر اثر فعالیت‌های کشاورزی، ۱۱/۵ درصد به آفت‌کش‌ها و کودهای شیمیایی ارتباط دارد. بهره‌برداری از کشتزارهای صنعتی منتج به بیابان‌زایی، جنگل‌زدایی، مصرف بی‌رویه آب و آلودگی آن، تنزل کیفیت خاک، و نیز گرمایش جهانی زمین می‌شود. درحقیقت، پیامد زیست‌محیطی آن به تولید کشاورزی خلاصه نمی‌شود بلکه آلودگی در همه مراحل این روند ادامه می‌یابد، از نقل و انتقال مواد

غذایی گرفته تا فرآوری، و از انبار تا فروشگاه.

به کوبا می‌توان به‌عنوان یک الگوی پایدار کشاورزی، یک بدیل توسعه امنیت غذایی و سلامت محیط زیست نگاه کرد. حتی اگر این توسعه از روی ضرورت به وجود آمده باشد، کشاورزی شهری کوبا به یک الگو برای بقیه کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است. کوبا دارای یک نظام سوسیالیستی است که در آن حق مالکیت و سیاست‌های کشاورزی به شیوه متمرکز اداره می‌شود، شیوه‌ای که تفاوت چشمگیری با بقیه جهان دارد. در نتیجه، تمام روند تولید به نظارت دولت سپرده شده است، از توزیع زمین، بذر و درون‌دادهای کشت و کار گرفته تا بازاریابی. اما، شواهد موفقیت این کشور در پایدارسازی قابلیت کشاورزی شهری، یا «بوم‌کشت شهری» به مثابه روش تولید غذا برای کلان‌شهرها و شهرهای کوچک سراسر دنیا چشمگیر است. شهرها معمولاً برای تأمین آب، انرژی و غذای متکی به واردات از منطق روستایی هستند. به این ترتیب، شهرنشینان معمولاً در برابر تغییرات پیش‌بینی‌ناپذیر، نظیر بحران ملی غذایی ضربه‌پذیرتر هستند. لذا، تولید غذا درون یک شهر ممکن است وابستگی شهر به منابع خارجی را کاهش دهد. همچنین کشاورزی پایدار بهبود سلامت انسان را موجب می‌شود و مصرف میوه و سبزی تازه را تشویق می‌کند. واقعیت این است که در پی دگرگونی‌ها در نظام کشاورزی کوبا، کاهش قابل توجهی در میزان فوت ناشی از دیابت و بیماری‌های قلبی رخ داده است. شیوع بیماری دیابت از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۶ که تغییر در تولید کشاورزی صورت گرفت ۵۳ درصد کاهش یافت. افزون بر این، کشاورزی شهری می‌تواند به اشتغال و ایجاد فرصت‌های شغلی برای بخش‌های حاشیه‌ای جمعیت شهری کمک کند؛ علاوه بر این‌ها، ایجاد انجمن‌های همه‌شمول مزارع شهری می‌تواند به نشاط شهر و ارتقای سطح زندگی جمعیت شهری یاری رساند. می‌توان افزود کشاورزی پایدار و شهری می‌تواند راهی به استقلال غذایی بگشاید، اصطلاحی که برای اشاره به خودکفایی و خودگردانی تولید مواد غذایی به کار می‌رود. کشورهای در حال توسعه می‌توانند به این موضوع مانند هدفی جذاب، دست‌یافتنی و قابل انعطاف به‌منظور انتقال منابع مالی از واردات غذا به سرمایه‌گذاری‌های محلی، نگاه کنند.

بوم‌کشت و کشاورزی پایدار می‌تواند راه‌حل رفع گرسنگی و امنیت غذایی، و نیز نظام تولید غذای قابل انعطاف باشد. به این معنا که مانع عوامل مضر برای محیط زیست می‌شود، در عین حال تأثیرات شدید اقلیمی را که اخیراً رواج بیشتری یافته است، ترمیم می‌کند. یافته‌های یک بررسی در ناحیه اولگین و لاس‌توناس چهل روز پس از توفند آیک که در سال ۲۰۰۸ کوبا را در نوردید نشان داد مزارع متنوع‌شده در مقایسه با کشتزارهایی که ۹۰ تا ۱۰۰ درصد به‌صورت تک‌محصولی کشت می‌کردند، ۵۰ درصد کمتر دچار خسارت شدند. به همین نحو، مزارعی که با مدیریت بوم‌کشتی اداره شده بودند ۴۰ روز پس از توفند با سرعت بیشتری (۸۰ تا ۹۰ درصد) ترمیم شدند. درحقیقت اکنون کشورهای بسیاری در حال پیاده‌کردن این الگو هستند، نه تنها در آمریکای لاتین، بلکه در مناطق دیگر جهان، از جمله کشورهایی مانند لانوس و مالاوی؛ و باید برای حل مشکل افت کیفیت خاک و مبارزه با سوءتغذیه در کشورهای نظیر هائیتی از این الگو پیروی شود.

ترویج و اجرای توسعه کشاورزی شهری کار دشواری است، زیرا موانع فراوانی در مقابل پیشرفت‌های بی‌حد و حصر آن وجود دارد. بعضی از موانع عبارتند از دسترسی به زمین، به‌رسمیت شناختن حقوق زمین، دسترسی به آب، بهره‌وری نازل زمین، آلودگی، و بی‌تجربگی کشاورزان جدید، و نیز حضور محصولات ارزان قیمت یارانه‌ای در بازار، که شدیداً مورد حمایت یارانه‌های بخش کشاورزی

دنیای غرب واقع شده است. همچنین زمین شهری معمولاً کالایی ارزشمندتر از زمین روستایی است و رقابتی سرسختانه بر سر استفاده از آن وجود دارد. کیفیت آبی که مورد نیاز تولید غذاست به سختی در شهر یافت می‌شود. از این گذشته، خاک شهری معمولاً آلوده است و نزدیک جاده‌ها و نواحی صنعتی قرار دارد که می‌تواند محصولات را آلوده کند. اما، اضطراب ناشی از بحران‌های غذایی کشورهای در حال توسعه و تأثیرات منفی حوادث اقلیمی در تولید غذا، بخش مهم کوشش‌های اساسی در مسیر ترویج و گسترش کشاورزی پایدار را تشکیل می‌دهد.

دفاع از نظام ارزشمند تولیدی در مقابل حملات سرمایه‌داران

مبادلات بازرگانی کشاورزی میان ایالات متحده و کوبا، عمدتاً بر مبنای شکر، اساس روابط دوجانبه طی نیمه اول قرن بیستم بود. انقلاب کاسترو با قطع روابط تجاری میان دو کشور وضعیت را تغییر داد. از آن پس، منافع ایالات متحده تأثیری در سیاست کشاورزی کوبا نداشت، هرچند محاصره اقتصادی ایالات متحده علیه کوبا در بخش کشاورزی تأثیر قابل ملاحظه‌ای گذاشت. اکنون با آب‌شدن یخ روابط دوجانبه [و آغاز فرایند عادی‌سازی روابط]، صنعت کشاورزی ایالات متحده به این بازار جدید اشتیاق نشان می‌دهد. سؤال این است که آیا بخش ویژه کشاورزی کوبا، کشاورزان کوچک و مزرعه‌داران خانوادگی، با «هجوم سرمایه‌داری» به حیات خود ادامه خواهند داد؟ هم‌اینک کوبا از ایالات متحده غذا وارد می‌کند. در سال ۲۰۰۰ قانون اصلاح تحریم بازرگانی و افزایش صادرات مجوز فروش بعضی از اقلام غذایی و دارویی را تأیید کرد. معدل صادرات مواد غذایی ایالات متحده به کوبا به ۳۶۵ میلیون دلار در سال بهین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ رسید. اما ایجاد محدودیت اعتبار برای خریداران کوبایی امکان تجارت آن‌ها را کاهش داد. برداشتن کامل محاصره از جمله لغو قانون هلمز-برتون فرصت‌های بازرگانی وسیعی به وجود خواهد آورد. در عین حال در نوامبر ۲۰۱۵ «لذت‌تلاف امریکایی کشاورزی برای کوبا» برنامه گسترش همه‌جانبه سرمایه‌گذاری کشاورزی را در کشور تاریخاً متخاصم آغاز کرد. گروه‌های فراوان وابسته به کسب کشاورزی برای پایان دادن به محاصره اقتصادی به لابیگری مشغول بودند؛ برای نمونه تولیدکنندگان برنج در آرکנסا به گسترش بازار در کوبا علاقه‌مند بودند، زیرا مصرف سرانه برنج در کوبا پنج برابر ایالات متحده است. به نظر می‌رسد برای فروش محصولات به کوبا، منافع امریکا بر انتقال فناوری و بر کشف رفتار مصرف‌کننده کوبایی متمرکز شده است. کوبایی‌ها توان این را دارند که مشتری عمده کالاهای ایالات متحده باشند، ولی همچنین می‌توانند مشتری گوشت، غلات، یا روغن‌های خوراکی نیز باشند. اما چه چیزی می‌تواند مزیت مهم گشایش تبادلات کشاورزی امریکا برای اقتصاد کوبا به شمار آید؟ تولید کشاورزی کوبا نمی‌تواند با تولید صنعتی ایالات متحده رقابت کند، هم از جهت کمیت محصول و هم از نظر قیمت. اولاً، بازشدن درهای واردات به کوبا منجر به از بین رفتن نظام در حال شکل‌گیری غیردولتی می‌شود؛ و کار تولیدکنندگان محلی به ورشکستگی خواهد کشید. ثانیاً، محصولات متعددی وجود دارد که کوبا می‌تواند در بازار امریکا به فروش برساند، از جمله می‌توان به تنباکو، رام، میوه‌های استوایی، و غذاهای دریایی اشاره کرد. آن‌ها می‌توانند از جنبه کیفی به رقابت بپردازند، از طریق تولید فرآورده‌ها به روش‌های سنتی و غیر مکانیزه، فرآورده‌های غیرتراریخته، و کالاهای جاویژه [که بر بخش کوچکی از بازار و بر نیاز بخش معینی از مشتریان تمرکز دارند]. ثالثاً، کشمکش بین بازار تولید داخلی، قیمت‌های محلی، و هزینه صادرات کشاورزی را افزایش خواهد داد. تا کنون کشاورزی کوبا بر تولید برای خودکفایی و

مصرف داخلی متمرکز بود؛ این خطر وجود دارد که چرخش به سمت صادرات غذا از این منابع غذایی بکاهد و در نتیجه به تنزل سطح زندگی بینجامد. اما آنچه بیشتر از هر چیز ضربه خواهد خورد الگوی پایداری است که کوبا قادر بوده طی بیست سال گذشته توسعه دهد، یک الگوی کشاورزی بر مبنای تولید خُرد، به شیوه‌های بومی و سنتی که هنوز به اندازه کافی کارآیی رقابت با تولید صنعتی را ندارد، اما در درازمدت اثبات می‌شود که برای محیط زیست و تولیدکنندگان مفیدتر است. به نظر می‌رسد مبادلات میان نظام‌های کشاورزی آمریکا و کوبا یکطرفه باشد. به واقع، در نشست خبری وزارت کشاورزی ایالات متحده که موافقتنامه دوجانبه کشاورزی هنگام سفر رئیس‌جمهور او باما به کوبا به امضا رسید، هیچ اشاره‌ای به کشاورزی بومی یا کشاورزی ارگانیک که نشانی از علاقه‌مندی به انتقال فنون کشاورزی پایدار کوبا به ایالات متحده داشته باشد به چشم نمی‌خورد. رلئول کاسترو درباره سفر او باما تصریح کرد: «ما دیدگاه‌هایمان درباره استقلال و عدالت اجتماعی را انکار نمی‌کنیم، یا حتی یکی از اصولمان را زیر پا نمی‌گذاریم، یا یک میلی‌متر از سنگر دفاع از استقلال ملی عقب‌نشینی نخواهیم کرد. ما اجازه نخواهیم داد کسی برای مداخله در امور داخلی‌مان ما را تحت فشار بگذارد. ما برای استقلال‌مان هزینه‌های گزافی پرداخته‌ایم.» دو حادثه مهم در رهبری دو کشور، درگذشت فیدل کاسترو و انتخاب دانلد ترامپ، آینده روابط کوبا و آمریکا را با تردید فراوان رو به‌رو ساخته است. چه عادی‌سازی ادامه یابد چه عقبگرد جدیدی رخ دهد، دولت کوبا علاقه‌ای به دست برداشتن از شیوه تولید کشاورزی‌اش ندارد و آماده است با «نفوذ سرمایه‌داران» مقابله کند.

حمایت از کشاورزی پایدار

کشاورزی پایدار و شهری پاسخ منطقی کو بایی‌ها به محدودیت‌های منابعشان بود. فنون کشاورزی سنتی با درونداد نازل، بر مبنای مهار آفت‌های ارگانیک و تنوع بذر، ستون اصلی تولید مواد غذایی بومی در کوبا است. این نظام همچون صرفه‌جویان‌ترین در مصرف منابع، پاسدار پاک‌ی محیط زیست، از نظر اجتماعی همه‌شمول، و الگویی است که کشورهای دیگر باید دنبال کنند. این نظام به‌راستی برای امنیت غذایی و توسعه پایدار کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ در سراسر جهان، و به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه اهمیت دارد. نمونه کو بایی بی‌عیب و نقص نیست و با مشکلاتی دست به‌گریبان است، اما با چالش‌های بزرگی در خصوص جامعه و سلامت محیط زیست حتی به‌طور ناخواسته رو به‌رو شده است. بلا تکلیفی جدید درباره آینده روابط کوبا و آمریکا تعداد کثیری از تجار امریکایی علاقه‌مند به تجارت با کوبا، خاصه در بخش کشاورزی جزیره را در انتظار باقی گذاشت. به‌هر حال، نمونه کشاورزی پایدار کوبا حتماً باید ترویج و حمایت شود و گسترش یابد. سؤال این است: چگونه در اوضاع جاری گشایش روابط با آمریکا چنین عملی باید انجام گیرد؟ این شیوه تولید غذا ممکن است تنها بدیل برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه‌ای باشد که در حال نبرد با گرسنگی و کسب توانایی و اطمینان لازم جهت حفظ جمعیتشان و فرصتی برای زندگی در جهانی پایدار هستند.